

دکتر شهریار نقوی

دانشیار دانشگاه اسفهان

تأثیر و نفوذ فارسی در زبان مراھتی

قلمرو فارسی امروز نیز بسیار وسیع است و سرزمین‌هایی را که از تاجیکستان و ازبکستان گرفته تا جزایر بیشمار اندونزی امتداد دارد، با میزبانهای مختلف زیر تأثیر خویش، میگیرد و در بین‌اکلیه کشورهاییکه فارسی زبان‌های آنها را تحت تأثیر قرار داده‌اند و پاکستان دارای وضع خاصی می‌باشند.

تمام زبانهای محلی شبه‌قاره پهن‌اور هند و پاکستان که شماره آنها بچندین صد میرسد در قرون و اعصاریکه فارسی زبانان زمام حکومت را در آن سرزمین وسیع در دست داشتند دستخوش نفوذ عمیق و تأثیر فراوان زبان و ادبیات ایران گشته و بخصوص زبانهای بزرگ و برجسته آن دو مملکت مانند اردو، بنگالی، پنجابی، سندی، کشمیری، پشتو، هندی، گجراتی، دکنی، اووی، بهاری، مراھتی، تیلگو، تامیل، کناری، مالایالم و امثال آنها از قرن‌ها پیش مدیون زبان فارسی بوده و در سیر تکامل و پیشرفت خود بهره‌های وافری از آن برده‌اند.

همه زبانهای مزبور فوق العاده تحت تأثیر فارسی واقع شده و آن زبان مانند نخ در تسبیح دربین کلیه آنها ارتباط و هم آهنگی خاصی بوجود آورده است .

تعدادی از زبانهای از گروه زبانهای دراویدی مانند تامیل، تیلگو، کنائوی و مالایالم که از زبان های رسمی هندوستان محسوب می شوند و به هر کدام از آنها دهها میلیون نفر جمعیت در جنوب هند-روکار دارند، ظاهراً ربطی به زبانهای آریائی از جمله فارسی ندارند ولسی فارسی بطور شگفت انگیزی در آنها رخنه کرده و اثراتی از خود در آنها بجای گذاشته است و مطالعه در این موضوع برای جمیع علاقمندان بفارسی بسیار خوش آیند و ضروریست .

در این مقاله زبان مراهمی، یکی از زبانهای برجسته هندوستان و نفوذ فارسی در آن مورد بحث ما قرار میگیرد .



در بین اقوامی که در جنوب هند بسر میبرند قوم مراهما قوم بزرگی است و در تاریخ سیاسی آن کشور وبخصوص در قرن هیجدهم میلادی مقام ارجمندی بدست آورده اند و شیواجی و دنبالهروان او بتاج و تخت رسیده اند، مراهما ها پیش از برقراری تسلط کامل انگلیسی ها در شبه قاره در حدود یک قرن در آن کشور صاحب نیروی عظیم نظامی گشته و در واقع شمال هندوستان را از دست مسلمانان گرفته و در تسلط خویش در آورده بودند .

در نهضت استقلال طلبی هند نیز افراد متعددی از قوم مراهما مانند گنگاو هر تلتک و گوپال کرشنا گوکله و غیره منشاء خدمات ارزنده واقع شده و بدرجات عالی سیاسی و اجتماعی رسیدند .

استانی که در آن مراهماها زندگی می کنند « مهاراشترا » نام دارد و شهر مرکزی آن بمبئی بندر معروف هنداست. زبان مراهمی منسوب به همین قوم میباشد و اکنون بالغ برسی میلیون نفر جمعیت در ایالت مهاراشترا بدان تکلم میکنند .

زبان مراہتی که یکی از زبانهای بزرگ و رسمی هندوستان بشمار می رود بدسته زبان های هند و اروپائی مربوط است و بخط هندی دیوناگری ازچپ بر راست نوشته می شود. این زبان هم مانند سایر زبانهای دنیا شامل لهجه های متعددیست و لهجه ایکه در شهر پونا و حوالی آن بدان تکلم می کنند معیاری ترین لهجه زبان مزبور محسوب میگردد (۱)

ادبیات مراہتی هشت صد سال قدمت دارد و بیشتر آن در رشته دینی و مذهبی بوجود آمده است (۲) ولی در دو سده آخر، شعر آن زبان غالباً در زمینه های اجتماعی و سیاسی نگارش یافته است (۳)

رسم الخط زبان مراہتی چنانکه قبلاً اشاره شد خط هندی دیوناگری استخراج شده از خط سانسکریت است و از دست چپ بر راست نوشته میشود ولی در گذشته، موقعی که فارسی زبان رسمی دربار آن دیار بود مراہتی نیز مانند تمدادی از زبانهای محلی هندوستان از جمله زبان هائی از دسته زبان های دراویدی در جنوب هند به الفبای فارسی نوشته میشد. هنوز هم لهجه ای از زبان مراہتی که بنام کونکنی معروف است و بیشتر مسلمانان بآن سروکار دارند بخط فارسی نگارش می یابد.

سرزمین مهار اشترا (در جنوب هند) هزاران کیلومتر از ایران فاصله دارد اما بعد جغرافیائی مانمی در راه رخنه کردن زبان این کشور در زبان آن سرزمین ایجاد نموده و فارسی توانسته است نفوذ قابل ملاحظه ای در زبان مراہتی از خود بجا گذارد و زبان و ادبیات مهاراشترا را تحت تأثیر خویش قرار دهد.

۱-۲-- دایرةالمعارف بین المللی (انگلیسی) چاپ امریکا جلد ۱۱

صفحه ۳۳۸

۳-- مجله آجکل (اردو) شماره اگست سال ۱۹۶۹ م صفحه ۷۸

۱- روابط هند و ایران از گوینکار (بانگلیسی) چاپ بمبئی بسال

۱۹۷۱ م صفحه ۶۰

در اوایل قرن چهاردهم میلادی با حمله پیروزمندانه علاء الدین خلجی پادشاه دهلی به جنوب هند که در سال ۱۳۱۸ م صورت گرفت قسمتی از استان مهاراشترا جزو سلطنت مهلمانان فارسی زبان قرار گرفت و از همان موقع تماس مراهتی زبانان با فارسی زبانان آغاز گردید و بعضی از کلمات اداری فارسی در زبان مراهتی راه یافت.

پادشاه دیگر دهلی بنام محمد تغلق، دولت آباد، شهر مرکزی آنوقت مهاراشترا را بجای دهلی بعنوان پایتخت سلطنت خویش برگزید و تمام ادارات دولتی و دفاتر سلطنتی را از شمال به جنوب منتقل ساخت اما بعلمت جریاناتی که رخ داد سلطنت وسیع او بچندین قسمت تجزیه شد و در سال ۱۳۴۷ میلادی در جنوب هند، سلطنت جدیدی بدست حسن گنگو بهمنی تأسیس یافت سلطنت بهمنی در حدود دویست سال ادامه داشت و در این مدت تعداد زیادی از دانشمندان و عارفان ایرانی از طرف سلاطین بهمنی برای مسافرت به دکن دعوت شدند و گلبرگه پایتخت سلطنت بهمنیان در آن زمان یکی از مراکز مهم فارسی و فرهنگ اسلام و ایران بشمار میرفت.

پس از انقراض سلطنت بهمنیان، جنوب هند به پنج کشور منقسم گردید. در بین آنها سه خانواده سلطنتی بنامهای نظام شاهیان، قطب شاهیان و عادل شاهیان که در شهر های احمد نگر، گولکنده و بیجاپور لای حکومت برافراشتند در راه سرپرستی از زبان و فرهنگ هنر و مذهب ایران خدمات شایانی انجام دادند.

توجه مفراط آنان بفارسی شاعران و نویسندگان بارز آن زمان از جمله ظهوری ترشیزی، محمد حسین تبریزی مؤلف برهان قاطع و ابوالقاسم هندوشاه مؤلف تاریخ فرشته و امثال آنها را در جنوب هندوستان گرد آورد و موجب گسترش فوق‌العاده فارسی در آن دیار گفت. حکومت سه خانواده مذکور تا اواخر قرن هفدهم میلادی طول کشید و بدین ترتیب اقتدار درباری فارسی در قلمرو زبان مراهتی در حدود ۳۵۰ سال ادامه داشت و چنین مدت

درازی کافی بود که فارسی عمیقاً زبان مراهتی را تحت تأثیر قرار دهد و زیاد در آن رخنه کند .

علاوه بر آنکه فارسی از راه غلبه سیاسی فارسی زبانان تأثیر فراوانی در زبان مراهتی از خود بجای گذاشت و کلمات زیادی در زمینه های اداری و کشورداری از آن بزبان مراهتی وارد شد از دريچه های علوم و فنون و تبلیغ اسلامی نیز در زبان مزبور رخنه کرد و مقدار زیادی از کلماتی که به تمدن و معارف جدید مسلمانان فاتح مربوط بود بزبان مراهتی راه یافت . زیبایی و خوش آهنگی لغات فارسی و عربی نیز باعث شد مراهتی زبانان آنها را با دل و جان بپذیرند و از بکار بردن کلمات ناخوش آهنگ سانسکریت و مراهتی اجتناب ورزند .

شاعران مراهتی زبان از ابتدا بیش از همه موضوعات دیگر ادبی و اجتماعی، به تصوف و عرفان و الهیات می پرداختند و سخن سرائی آنان اغلب به تفسیر و توضیح مطالب دینی که متون کتب مقدسه هندوان مانند هما بهاراتا، رامایانا، پورانهها و ویدانت ارتباط داشت محدود بود و بنا بر آن ، آنها نیازی به زبان سیاسی و درباری نداشتند و لذا اعتنای خاصی به فارسی و عربی نکردند .

توجهی که از طرف مراهتی زبانان بفارسی زبانان و زبان رسمی مملکت بعمل آمد بیشتر در زمینه های کشورداری و امور سیاسی و قضائی و تمدنی بود . بهمین علت نثر زبان مراهتی خیلی بیشتر از نظم آن زبان تحت تأثیر فارسی قرار گرفته است .

بنابر ارتباط دائمی و سروکار همیشگی که توده مردم در جنوب هندوستان در مدت ۳۵۰ سال حکومت فارسی زبانان با ادارات دولتی امثال داد گستری، ارتش، دارائی، بازرگانی و غیره داشتند کلمات فارسی بکثرت در زبان مراهتی جلب و جذب می شد و بهمین علت شامل بودن هزاران واژه فارسی در مراهتی بعنوان يك امر طبیعی جلوه می کند و باعث ایجاد شکفتی خاصی

نمیشود ولی مراعتی از نظر اثر پذیری قدم فراتر نهاد و مقدار کافی از اصطلاحات و ترکیب های فارسی و حروف اضافه و عطف و اصوات و پیش - وند و پس و ندها و ضمائر و قید و مصا در مرکب آن زبان را با آغوش باز پذیرفت و حتی تراجم ضرب الامثال فارسی را هم در حریم خود جای داد و بقدری نفوذ فارسی را قبول کرد که بادهای مخالف سیاست آخر قرون اخیر نتوانست صدمه ای بر آن برساند و ریشه محکم تأثیر فارسی را در مراعتی از جای بر کند .

مولانا عبدالحق مرحوم ملقب به «بابای اردو» در کتاب ارزنده اش بعنوان «مراعتی زبان پر فارسی کا اثر» (بار دو) چاپ اورنگ آباد بسال ۱۹۳۳ میلادی بمنظور نشان دادن میزان و مقدار واژه های فارسی که در مراعتی وارد شده تعدادی از نمونه های نشر و نظم مراعتی را به رد خط فارسی و مراعتی مرقوم داشته است و ما در اینجا اشاره ای به مشخصات یکی از آثار «ایکنا ته» ، شاعر معروف مراعتی (در گذشته در اوایل قرن هفدهم میلادی) می کنیم .

او نامه ای از طرف روح بشری بدرگاه خداوندی نوشته و در آن مصائبی را که روح بشری در جهان متحمل گردیده بیان نموده است . ایکنا ته برای آن نامه کلمه فارسی «عرضداشت» را بطور عنوان انتخاب کرده و آغازش را با کلمات «عرضداشت عرض دار بندگی بنده نواز» آورده است . در آن نامه که شامل ۲۸ سطر می باشد چهل واژه فارسی و عربی بچشم می خورد .

نامه دیگری که مجموعاً در چهارده سطر نوشته شده در حدود پنجاه کلمه فارسی و عربی را داراست . این نامه از طرف راجا انگوش راؤدر سال ۱۵۷۶ میلادی به زیر دست خودش نوشته شده است و جز مقدار بسیار کمی از کلمات مراعتی در آن تماماً واژه های فارسی و عربی دیده می شود .

نامه دیگری که اهمیت تاریخی نیز دارد از طرف ملك قنبر برای

شاه جی پدر شیواجی قهرمان ملی هندوان و سردار بزرگ قوم مراخته در سال ۱۶۱۸ م نوشته شده و در ۱۸ سطر بخط دیوناگری نگارش یافته است. این نامه از آغاز تا انجام پر از کلمات فارسیست. در آن نامه مجموعاً ۱۶۵ کلمه استعمال شده و در بین آنها فقط ۳۸ کلمه از مراختی و بقیه ۱۲۷ واژه فارسیست.

از آن هم شکفت انگیز تر اینک شیواجی قهرمان داستانی هندوان که با او امر اکید درباره اجتناب از استعمال کلمات خارجی (فارسی و عربی) میخواست مراختی را از هرگونه اثرات غیر مهاراشتری پاک سازد در نامه ای که در ۲۶ ژوئیه سال ۱۶۷۷ میلادی بنام سردار الشیونت را و شاه جی در چهار سطر نوشته هفده کلمه فارسی بکار برده است.

اکنون با استفاده کامل از تحقیقات و اطلاعات پرازشی که در مورد تأثیر فارسی در زبان مراختی بوسیله شادروان مولانا عبدالحق در کتاب اشاره شده شان درج گردیده است مطالب زیر پیرامون تأثیر فارسی در صرف و نحو و لغات مراختی نگاشته میشود:

۱- اصولاً در کلیه زبانهای هندوستان از جمله مراختی در ترکیب توصیفی کلمه صفت پیش از کلمه موصوف می آید مانند بلند درخت، وسیع میدان، مهربان دوست و غیره. اما در پیروی از دستور فارسی در تعدادی از ترکیب های توصیفی مراختی موصوف مقدم بر کلمه صفت دیده میشود مثال: اسم مجکور (مذکور) پندت مشارنوله (مشارالیه) راؤ آجم (اعظم) سال گودست (گذشته) و غیره.

۲- در هیچیک از زبانهای هندوستان از جمله زبان مراختی اضافتی که در فارسی معمول است وجود ندارد و این در نتیجه نفوذ فارسی است که در جاهای مختلف در مراختی اضافت نیز بیچشم میخورد. مثال: الاکها بمبئی (علاقه بمبئی) شهر پونا، جلاکلابه (ضلع قلابه) سوبها گلبرگه (سوبه گلبرگه) کله رای گره (قلعه رای گره) و غیره.

۳- علامت مفعول در مراهمی « لا » میباشد این علامت مفعول از فارسی گرفته شده منتهی حرف « ر » به حرف « ل » مبدل گشته است . دلیل صحت این موضوع اینکه در مراهمی پیش از برقراری تسلط فارسی زبانان در جنوب هند این کلمه دو حرفی بمعنای رای فارسی یافت نمی شود .

۴- تعدادی از حروف اضافه فارسی مانند از ، در ، تا ، نچیک (نزدیک) بدل ، ایوجی (بجای) بروبر (برابر) سوی ، ناپهک (موافق) بابت ، تحت (بمعنای تا) و غیره در مراهمی بکار برده میشود . کلمه دکهیل (دخیل) بمعنای نیزه در مراهمی مورد استعمال میباشد .

۵- برخی از حروف عطف فارسی مانند و ، مگر ، اگر ، بلکه ، یا ، چنانچه ، لیکن و غیره در زبان مراهمی جای یافته اند .

۶- کلمات فارسی زیر که بیشتر اصوات آند در مراهمی راه یافته و مورد استعمال میباشد:

وا و بمعنی به به ، های یا های های بمعنای وای ، خیر دار بمعنای آگاه باش ، شاباش بمعنای شادباش و آفرین همچنین است (البته) پس ، هان ، هوب (خوب) بیشک ، افسوس و غیره .

۷- بعضی از کلمات قید فارسی در مراهمی دیده میشود . مثال : همیشه یا هر همیشه (برای تأکید بیشتر) بمعنای همیشه بالکل ، وارم وار (بار بار) ایك وار بمعنای یکمرتبه ، بهتر جهان (بمعنای شان) جلد بمعنای زود ، مشکل ، علیحده ، بیشتر ، واپس (پس یا برگشت) تمام ، گدستا (گذشته) کل (همه) یندا (آینده) اول ، دویم . سیوم (سوم) ایکتا بمعنای تنها :

۸- برخی از ضمائر یا صفات ضمیری فارسی در مراهمی بکار برده می شود مثال کهد (خود) ضمیر مشترك ، فلانا (فلان) . هر ، هرایک (هر یک) و غیره .

۹- بعضی از وندها (پیش‌وند و پس‌وند) از فارسی جهت تشکیل واژه های مراحتی مورد استفاده واقع شده است مثال از پیش وندها : بی- بیثال (خارج از آهنگ) بیدول (بدقواره) بیدهب (بی اصول) بی ایمان ، بیدر (دلیر) بی سمجه (بی عقل) بیدهرک (بدون تأمل) بیدرکار (بیسود ، غیر لازم) و غیره .

نا - ناسمجه (نادان) ناپت ، ناکرته ، ناپیک نالایق و غیره .

غیر - غیر سمجهوت (لاینحل) غیر منش (غیر انسانی) غیر ریت (خلاف رواج) و غیره .

کم - کم کوت (کم قوت) کم اکل (کم عقل) کم بختی .

پس وندها - دار ، باز ، خور ، کار ، گری ، جی یا چی ، دان یادانی ، خانه ، باد ، وار و امثال اینها در آخر تعدادی از واژه های مراحتی اضافه و کلمات نوینی ساخته شده است بطور مثال:

گهر یال جی (ساعت ساز) دیپ دان (شمع دان) مجهر دان (پشه بند) مهینه وار (ماهوار یا ماهیانه) بکار دار (حقوق بگیر) کائیده باج (قاعده باز . کسیکه با اصول باشد تقریباً ملا نقطه ای) نکته جالب اینکه اکل بند (عقلمند) بمعنای کم عقل است.

۱۰- در مراحتی تعدادی از کلمات مرکب که ازدو کلمه فارسی درست شده بمعنای خاصی بکار برده میشود ، معنائیکه برای فارسی زبانان کاملاً نامأنوس است مثال :

زمین سربرشته (مالیات زمین) قرض بازاری (کسی که در بازار زیاد بدهکار باشد) کلم کسائی (قلم قصائی یا قصاب قلم و آن کسیست که بوسیله قلم بر دیگران ظلم بکند) کلم بهادر (لاغر) خریدی خط (سند خرید) زمین کتبه (مدرک خریداری زمین) سرکار جمع (ضبط شده از طرف دولت) غیر مرجی (بر خلاف رضا) کجه دلال (دلال قضیه یعنی کسی که جنگجو و تندی

خو و اهل جنجال باشد) و غیره .

۱۱- تعدادی از کلمات مرکب در زبان مراهنی با کمک واژه‌های مترادف از فارسی و مراهنی درست شده است . یعنی هر دو کلمه از دو زبان مترادف یکدیگر است . مثال :

گلی کوچا ، کهیل تماشا ، دهن دولت (بمعنای مال و ثروت) دهندا
روزگار (بمعنای کسب و کار) بلزور ، بازارهات ، بهیت ملاکھت (ملاقات)
مرد مانوس (آدم دلبر) ریت رواج ، دچار مسامت (مصلحت) سنی سوپتی
(صحبتی) کات کسر ، کوت کلا (قلعه) خط پتر (نامه) توند زبانی (شفاهی)
نیای انصاف (عدالت) پرانت ملک (کشور) و غیره .

۱۱- مقدار زیادی از مصادر مرکب زبان مراهنی با کمک واژه های فارسی درست شده است و بعضی از آنها ترجمه تحت اللفظی مصادر مرکب فارسیست بطور نمونه برخی از آنها در زیر نوشته میشود :

کهالی کرنه (خالی کردن) مابه کرنه (معارف کردن) رد کرنه
(رد کردن) باجو گهینه (بازو گرفتن) دوستی تهیونه (دوستی داشتن)
تهمت گهینه (تهمت زدن) صحبت تهیونه (صحبت داشتن) منا کرنه
(منع کردن) میدانان آننه (بمیدان آوردن) کمریاندنه (کمر بستن)
و غیره .

۱۲- تعدادی از اصطلاحات اداری و قانونی در زبان مراهنی یا از فارسی و عربی اخذ شده یا با کمک واژه های این دو زبان ساخته شده است . بطور مثال مقداری از آنها عبارتند از :

کائیده شیر (قاعده شیر بمعنای مطابق قانون) عمل بیجانوی (تممیل وصیت) سند شیر (قانونی یا از روی قانون) آپ مطلب (خود غرض)
انمام خط (سند جایزه) جامن (ضامن) جامن کتبه (ضمانت نامه) داج کارستان
(سیاسیات) جلمی (ظلمی بمعنی مطلق العنان) ناهک (بدون علت ناحق)

بی زواید (غیر مسئول) زوایداری (مسئولیت) راجیه کار و بهار (انتظام سلطنت) و غیره .

۱۳- تعدادی از کلمات فارسی و عربی در مراهمی با تغییر لهجه و معنا بکار برده می شود مثال : اگر (بمعنای یا) آمدانی (بمعنای عهد یا زمان) اتراچی (اعتراضی بمعنای ناخوشی) املا (بمعنای عمارت) عبرت (بمعنای اثر و اعتبار) عبرت دار (بمعنای صاحب اثر) ارسال (بمعنای بهترین نفیس) امیدوار (بمعنای نوجوان) کهلپت (خلوت بمعنای صحبت محرمانه) کارستان (منصوبه - پروژه) کفایت بمعنای فائده ، خاص بمعنای یقیناً ، کهلاسیا (خلاصه بمعنای تشریح و توضیح ۱) گپ (بمعنای خاموشی) . چمن (بمعنای عیش و راحت) گلوسوز (این کلمه اغلب برای دواي تلخ بکار برده می شود) جهان باز (یعنی جان باز بمعنای سرکش) تجویر (تزویر بمعنای تدبیر ، انتظام و مداوا) تماشا (رقص پسر) دردی (بمعنای ماهر فن) دستک (دستخط بمعنای پروانه راهداری و حکم معافی عوارض گمرکی) نکهالس (نخالص بمعنای خالص) مجلس (بمعنای محفل رقص و سرور) مطلب بمعنای غرض . مسکین (بمعنای بد کاری و شرارت) ردیدنی (بمعنای سفارش و شفاعت) شکست (بمعنای منتهای کوشش) حیوان (بمعنای ضعیف و کم قوه) هلاک (خیلی ضعیف) پزاگندا (پراکنده بمعنای تارک وطن) نامدار (عضو مجلس) مکادم (مقدم رهبر جمعیت کار - گران) ماینه (بمعنای القاب و احوالپرسی - شاید اصل این کلمه عنوان باشد) همی (بمعنای مسئولیت . شاید از کلمه اهمیت باشد) یادی (یادداشت ، فهرست) ینده (آینده بمعنای سال جاری) و غیره .

۱۴- در ضرب الامثال مراهمی نیز کلمات قابل توجهی از فارسی

دیده میشود مثال :

مان ساجی همت کهداچی مدت (همت مردان مدد خدا) جبشی نیت
تشی برکت (برکت مطابق نیت است) میایی بی راجی کای کریل کاجی

(اگر زن و شوهر راضی باشند قاسی چه میتواند بکند) گه‌ورا میدان‌جول
 آهی (ترجمه ضرب المثل فارسی هندی همین میدان وهمین گوی) وغیره
 هندوان خطاباتى که به سرداران و امیران خویش در جنوب هند در
 اوقات مختلف داده‌اند نمایشگر نفوذ مفرط فارسی در مراحتى میباشد . راجه
 رام پسر شیواجی در اواخر قرن هفدهم میلادی به‌وزیر براهن خود خطاب
 «حکومت پناه» داده بود. راجه رام به سردار دیگرش باعطای خطاب های
 « همت بهادر » و «مملکت مدار » سرفراز ساخت .
 خطاب های دیگر که بوسیله راجگان مراخته بوزیران و درباریان
 داده شد عبارت بوده اند از :

ضبط الملك ، شرف الملك ، شمشیر بهادر ، همت راو ، هیبت راو .
 سرلشکر ، سینا خاص خیل وغیره . شیواجی به سپه سالارش باعطای خطاب
 سرلشکر مفتخر گردانید و بوزیرش خطاب پیشوا داد. این خطاب تادیر زمان
 باقی ماند.

درنامه های تاریخی مراحتى و مهرهای راجگان مراخته نیز کلمات
 فارسی زیاد بچشم میخورد و این موضوع نیز بجای خود دارای اهمیت
 بسزایى مى باشد .